

شناسایی عوامل اجتماعی اثرگذار بر تورم و نوسانات نرخ ارز

حمید اعتمادی راد^۱اسماعیل جهانبخش^۲منصور حقیقتیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر تورم و نوسانات نرخ ارزی باشد. پژوهش حاضر با توجه به اهداف موجود، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و نوع پژوهش مبتنی بر پارادایم کیفی-کمی استفاده شده برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری در مرحله اول پژوهش خبرگان است که حجم نمونه پژوهش در این بخش پس از ۲۰ نفر می‌باشد. در بخش دوم پژوهش جامعه آماری کلیه شهروندانی هستند که نقش بیشتری در مبادلات و خرید کالا در جامعه داشته‌اند (همچون: کسبه بازار، سرپرستان خانوار و ..) دارند. حجم نمونه در این بخش بر اساس فرمول کوکران ۳۹۶ نفر برآورد گردید. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. که پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی تعداد سوال‌های پژوهش به ۵۴ سوال تقلیل یافت. روش نمونه‌گیری در این رساله روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. در یافته‌های اکتشافی پژوهش ۳ مؤثر بر تورم و نوسانات قیمت ارز شناسایی گردید. و نتایج تحلیلی عاملی تأییدی نشان می‌دهد که تأثیر ۳ متغیر؛ اعتماد نهادی، امنیت روانی و سرمایه اجتماعی بر کنش‌های تورم‌زای شهروندان معنی‌دار است. بنابراین این ۳ فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شوند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اجتماعی نیز تأثیر معناداری بر تورم و نوسانات نرخ ارز دارند که متأسفانه در پژوهش‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌های دولت به این عوامل بی‌توجهی می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که دولت و نهادهای دولتی در شرایط تورمی به این عوامل نیز توجه داشته باشند.

کلید واژگان: اعتماد نهادی، سرمایه اجتماعی، امنیت روانی، تورم، نوسانات نرخ ارز.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه بررسی مسائل اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^۲ استادیار، گروه بررسی مسائل اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار، گروه بررسی مسائل اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

همواره به دلیل اثرات نگران کننده تورم در اقتصاد، کنترل آن به عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. تورم پیامدهای اجتماعی و اخلاقی گسترده و مخربی دارد که با فرض بهبود اقتصادی در کوتاه مدت، تأثیرات بلندمدت آن در جامعه خواهد ماند و جبران آن به راحتی امکانپذیر نخواهد بود. متأسفانه سیاستمداران و اقتصاددانان معتقدند: جامعه با همه سختی‌ها بعد از مدتی خود را به این شرایط سازگار خواهد نمود (الجبرین، ۲۰۰۶).

در حالیکه از این نکته غافلند که اولاً سازگار شدن جامعه لزوماً به معنی ماندن در همان سطح گذشته نیست بلکه هر بار بعد از تورم ما به سطح پایین‌تری از کیفیت زندگی و فرهنگ و روابط اجتماعی و سطح نیازهای معیشتی تنزل خواهیم کرد و این تنزل‌های مداوم مخصوصاً وقتی با آهنگ زمانی بیش‌تری صورت گیرد، می‌تواند به آستانه تحمل و یا شکنندگی جامعه نزدیک شده و منجر به فروپاشی نظم اجتماعی و سیاسی شود.

دوم اینکه تأثیرات تورم خود را در سطوح اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه منتشر کرده و این تأثیرات مخرب تا سال‌های سال در متن جامعه باقی خواهند ماند و حتی در صورت بهبود وضع اقتصادی، وضعیت اجتماعی و اخلاقی به راحتی به سطح گذشته نخواهد رسید. بنابر تحقیق زیری و ابراهیمی (۱۳۹۳) اثر منفی ناشی از شوک تورمی تا ۲۳ دوره بعد در سرمایه اجتماعی باقی می‌ماند!

سوم، «انقلاب نان» و شورش فرودستان شهری و بیکاران یکی از پیامدهای اجرای سیاست تعدیل اقتصادی در کشورهایی بود که نرخ تورم بالای ۵۰ درصدی را تجربه کرده بودند، امکان شکل‌گیری چنین وضعیتی تاسف‌باری در اینجا نیز بسیار محتمل است. در چنین شوک‌های تورمی طبقه بالای جامعه به خاطر داشتن دارایی و سرمایه از این تورم منتفع شده و طبقات پایین و متوسط جامعه که وابسته به دستمزد ثابتی هستند به شدت متضرر می‌شوند بنابراین از دیگر پیامدهای اجتماعی تورم به مواردی نظیر افزایش شدید نابرابری‌های اجتماعی، قطبی شدن بیشتر جامعه و تضعیف هنجارها و همبستگی جامعه، بی‌ارزش شدن کار و رونق دلالی، افزایش افراد زیر خط فقر، فرسایش بیشتر سرمایه اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی اشاره کرد.

تورم باعث افزایش شکاف طبقاتی می‌گردد زیرا تورم معمولاً قدرت خرید فقرا را کاهش می‌دهد و آنان را فقیرتر می‌کند. معمولاً بخش اعظم ثروت‌ها و دارایی‌های غیرممنقول (مانند ساختمان و زمین) و بخش اعظم تجهیزات و ماشین‌آلات تولیدی متعلق به ثروت‌مندان است. وقتی تورم رخ می‌دهد معمولاً قیمت این گونه دارایی‌ها نیز افزایش می‌یابد. گرچه با تورم، ثروت‌مندان نیز هزینه‌های بالاتری برای زندگی خود می‌پردازند، اما افزایش این هزینه‌ها (مانند هزینه خوراک، پوشاک، حمل و نقل و...) در مقایسه با افزایش ارزش دارایی‌های آنها، ناچیز است. همچنین معمولاً درآمد ثروتمندان در مقابل، فقرا نه تنها صاحب ثروت زیادی نیستند، بلکه درآمد آنها نیز متکی به دستمزد نیروی کارشان است. معمولاً نرخ افزایش دستمزدها بسیار کندتر از نرخ افزایش قیمت‌هاست. در این صورت با افزایش قیمت‌ها، قدرت خرید دستمزد فقرا (درآمد واقعی) کاهش می‌یابد. بنابراین تورم، موجب ثروتمندتر شدن قشرهای بالای جامعه و فقیرتر شدن طبقات متوسط و پائین جامعه می‌گردد.

از دیگر مسائلی که افزایش لجام گسیخته تورم می تواند در پی داشته باشد، افزایش آسیب های اجتماعی و جرائم می باشد. زیرا با گسترش فقر، دو پدیده رخ می دهد، نخست اینکه فقرا تحت فشارهای زندگی بخ تدریج پابندی به ارزش های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی را رها می کنند. علت آن نیز این است که در سلسله مراتب نیازهای حیاتی انسان، نخست نیازهای ضروری زیستی مانند غذا، پوشاک و مسکن قرار دارند و سپس نوبت به تأمین نیازهای ثانویه مانند محبت، آگاهی، منزلت اجتماعی، هنر، هویت و... می رسد. تورم مداوم و شدید باعث می شود روز به روز از توان فقرا برای تأمین نیازهای والا تر کاسته شود و همه تلاش آنها به تأمین نیازهای نخستینی مانند خوراک، پوشاک و مسکن معطوف شود. به تدریج که فقرا نیازهای متعالی خود را از دست می دهند، انگیزه حفظ ارزش ها و هنجارهایی که از این نیازهای متعالی برمی خیزد نیز از دست می رود. وقتی سهم یک فقیر همواره کار و تلاش جان فرسا باشد، برای او انگیزه ای برای رعایت هنجارهای اجتماعی باقی نمی ماند. وقتی قرار نباشد فقیری سهم شایسته ای از مواهب و ثروت های جامعه اش داشته باشد، چرا بکوش هنجارهایی را رعایت کند که برای کسانی لازم است که از آن مواهب، سهمی در خور می برند.

از این گذشته با گسترش فقر، شکاف طبقاتی میان فقیر و غنی افزوده می شود و بنابراین، گسترش تبعیض موجب کاهش احساس تعلق اجتماعی فقرا می گردد. وقتی تعلق اجتماعی از دست می رود، رعایت هنجارها موضوعیت خود را از دست می دهد. کارگرانی که از مواهب جامعه شان نصیبی جز خستگی و فرسودگی ندارند، چرا خود را به احترام به قواعد، آداب و سنت های جامعه ملزم بدانند. بنابراین افزایش مداوم تورم به تدریج علقه های عاطفی و حلقه های هویتی افراد را تضعیف می کند. از سوی دیگر، تورم مداوم به منزله این است که بخش های میانی جامعه نیز به تدریج فقیر شوند و به جمعیت های با درآمدهای پائین ملحق گردند. چنین وضعیتی به منزله نابودی طبقه متوسط است و نابودی طبقه متوسط، نتیجه ای جز توقف فرآیند توسعه ندارد.

یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی که بر تورم اثرگذار است افزایش تقاضای بالا در سطح جامعه است. که در پژوهش حاضر با توجه به اینکه پژوهشگر به دنبال بررسی جامعه شناختی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر تورم است، ریشه های اجتماعی و فرهنگی این متغیر (افزایش تقاضا) به عنوان برخی از پیش فرض های پژوهش مطرح می گردد. لذا با رویکرد به این مسأله اولین پیش فرض اجتماعی موثر بر تورم و قیمت ارز افزایش تقاضای ناشی از عدم امنیت روانی است. در ماه های گذشته، به دنبال حوادث و ناآرامی های دی ماه و ناامیدی از بهبود اوضاع توسط منتخبان مردم در سکان های اجرایی و همچنین سیاست های تهاجمی و خصمانه رییس جمهور آمریکا در قبال ایران و برهم زدن برجام، نوعی احساس ناامنی و بی اطمینانی در جامعه نسبت به آینده به وجود آمده است که این امر باعث گرایش به خرید بدون نیاز و ذخیره مواد غذایی را در بین افراد جامعه افزایش داد.

از دیگر متغیرهای اجتماعی که در این حوزه بر افزایش تورم می تواند موثر باشد افزایش تقاضای ناشی از سرمایه اجتماعی پائین (فقر فرهنگی) در جامعه می باشد که کمبود این سرمایه در بین افراد تاثیر پذیری آنها را از شایعات، اخبار رسانه های خارجی با سوگیری و... را بیشتر نموده و این افراد تحلیل ها، شایعات و دیدگاه های ارائه شده را با سهولت بیشتری می پذیرد و تحت تاثیر این شایعات و اخبار به تشدید با تقاضای بدون نیاز، یا احتکار کالا و... به تشدید بحران تورم می افزاید. همچنین در صورت پائین بودن آگاهی از حقوق شهروندی، افراد به دلیل عدم آشنایی با سازمان هایی که در شرایط بحران

های اقتصادی و تورم باید پیگیر حقوق مردم باشند بی اطلاع بوده و در نتیجه به صورت فردی به دنبال فرار از تورم هستند که این امر خود باعث تشدید بحران می شود. همچنین عدم مشارکت سازمان های مردم نهاد در امور اقتصادی نیز می تواند عاملی اجتماعی در کنترل تورم باشد. از دیگر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی در پژوهش حاضر به عنوان فرضیه مطرح شده اند؛ سرمایه اجتماعی برون گروهی، تغییر ارزش های فرهنگی (اهمیت یافتن ارزش های مادی)، افزایش تقاضای ناشی از عدم اعتماد نهادی می باشد که هر یک به نوعی می توانند بر افزایش تورم موثر باشند. لذا با رویکرد به اینکه تورم مزمن پدیده ای نسبتاً بلندمدت در اقتصاد ایران بوده و بالا گرفتن نرخ تورم در ماه ها اخیر (نیمه سال ۱۳۹۷) یکی از اساسی ترین مشکلات کشور است، لذا همواره مطالعاتی در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در ایجاد این پدیده مورد نیاز است. بدین منظور در این تحقیق به شناسایی ریشه های اجتماعی - فرهنگی تورم لجام گسیخته و افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ در ایران خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

نیاز به توضیح است که با توجه به اهداف و روش پژوهش که متغیرهای اصلی در فرآیند پژوهش و با استفاده از مصاحبه (روش کیفی) شناسایی می شوند، بنابراین تعاریف عملیاتی بعد از شناسایی متغیرهای نهایی و قبل از طراحی ابزار بخش کمی پژوهش (پرسشنامه تستی) صورت می گیرد. در این مبحث برخی از گزاره های اولیه که با استفاده از مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی شناسایی شده اند، تعریف می گردند.

اعتماد نهادی

اعتماد دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند و قرین با رابطه متقابل تعمیم یافته است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۰: ۹۹). اعتماد اجتماعی خود به دو مقوله تقسیم بندی شده است: ۱- اعتماد بین شخصی ۲- اعتماد تعمیم یافته. اعتماد بین شخصی دلالت بر این دارد که مردم چقدر در روابط روزمره، قراردادها، داد و ستدها و همکاری های جمعی شان یکدیگر را صادق می شمارند و عمل به تعهدات و انتظارات متقابل را که مبتنی بر ارزش ها و هنجارهای جامعه می باشد واجب می شمارند. اعتماد نهادی به میزان اعتمادی که افراد به سازمانها و نهادهای اصناف و گروه های مختلفی که با آنها سروکار دارند اشاره دارد (ازکیا، ۱۳۹۴: ۵۷).

سازمان های مردم نهاد

سازمان مردم نهاد، سازمان مردمی^۱، سازمان غیر انتفاعی^۲، و یا سازمان داوطلبانه خصوصی^۳ به هر گروه غیر انتفاعی و داوطلبانه از شهروندان گفته می شود که در سطوح محلی، ملی یا بین المللی سازماندهی شده باشد. آنها توسط مردمی با علائق

^۱ - People's Organization

^۲ - Non-Profit Organization

^۳ - Private Voluntary Organization

مشترک اداره می شوند و انواع خدمات و کارهای خیریه را انجام می دهند، دغدغه های شهروندان را به دولت منتقل می کنند، سیاست ها را مورد بررسی قرار می دهند و مشوق مشارکت مردم در سطوح اجتماع هستند (کوه کن، ۱۳۹۲: ۴).

ارزش های فرهنگی

ارزش های فرهنگی «ایده های حاکم و قواعد راهنمایی برای اندیشه و عمل» در یک جامعه مشخص و نیز نیرویی قدرتمند برای شکل دادن انگیزه ها، سبک های زندگی و انتخاب محصول توسط مصرف کنندگان است (تسه و دیگران، ۱۹۸۹). اما نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که ظرفیت و شدت ارزش های فرهنگی از فرهنگ دیگر متفاوت است. درحالی که ظرفیت به این نکته اشاره دارد که آیا یک ارزش فرهنگی به صورت منفی یا مثبت تلقی شده است، شدت، نشانگر توانایی یا اهمیت یک ارزش در درون یک فرهنگ است؛ برای مثال، در بعضی از فرهنگ های آمریکایی، ارزش احترام برای بزرگسالان دارای ظرفیت منفی است و دارای میزان شدت متوسطی است. بسیاری از آمریکایی ها به جای کهنسالی برای جوانی ارزش قائل هستند؛ اما در کشورهایی مانند ژاپن، مکزیک و... احترام به بزرگسالان دارای ظرفیت مثبت و شدت بسیار زیادی است» (چان و چنگ، ۲۰۱۲: ۳۸۸).

امنیت روانی

از جمله نیازهای اساسی بشر که در بیشتر نظریه های روان شناسان و نیز پژوهش های آنان درباره ی خصوصیات انسان، مشاهده می گردد، نیاز به امنیت است. امنیت عبارت است از آزادی نسبی از خطر. ایمنی عبارت است از: ۱- آسایش خاطر ناشی از اطمینان شخص به ارضای نیازمندی ها و خواهش های خود. ۲- اطمینان از این که هیچ کس او را تهدید نمی کند (بوزان و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۱). به عبارتی امنیت: الف- حالتی است که در آن، ارضای احتیاجات و خواسته های شخصی انجام می یابد، ب- احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش از طرف گروه است (نویدینا، ۱۳۹۴: ۷۱).

امنیت در لغت به معنی نداشتن دلهره و دغدغه می باشد. از نظر ماهوی امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تامین، ضامن است. «بر اساس نظام امنیت بنیادین شخص وجود خود را در ارتباط با دنیای متشکل از آدم ها و اشیاء تجربه می کند، دنیایی که از طریق اعتماد بنیادین، شناسایی شده و سازمان یافته است. نظام امنیت بنیادین، منشاء احساس امنیت وجودی است. و از نظر هستی شناختی، ایمن بودن یعنی در اختیار داشتن پاسخ هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طول عمر خود به نحوی مطرح کرده اند.» (گیدنز، ۱۳۹۷: ۷۲).

امنیت روانی شامل دو نوع امنیت فردی و جمعی می شود. امنیت روانی جمعی زیرشاخه امنیت اجتماعی است. امنیت روانی زمانی تامین می شود که شخص از علل و عوامل اضطراب و تشویش در امان باشد؛ همچنین امنیت جمعی روانی، در زمانی تحقق می یابد که جامعه از عوامل تهدیدزا در امان باشد و از نظر آسایشی و رفاه اقتصادی عامل یا عواملی موجب ترس و وحشت از فقدان آن نشود (مک گین لای و لیتل، ۱۳۹۰).

به نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. به نظر وی سرمایه اجتماعی، به‌عنوان شبکه‌ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی‌وقفه به دست می‌آید. به عبارت دیگر شبکه روابط، محصول راهبردهای سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی آگاهانه یا ناخودآگاه است که هدفش ایجاد یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (تاجبخش، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

پاتنام سرمایه اجتماعی برون گروهی را به عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی تعریف می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰). به اعتقاد وی سرمایه اجتماعی برون گروهی می‌تواند زمینه مناسبی برای دستیابی به دیگر انواع سرمایه انسانی و مالی فراهم آورد (پاتنام، ۲۰۰۵). سرمایه اجتماعی برون گروهی با تعاملات اجتماعی خارج از فضای بسته دوستان و آشنایان نیز با افزایش اعتماد و کاهش فرصت طلبی می‌تواند زمینه را برای افزایش بازدهی افراد از تحصیلات و سرمایه اجتماعی که دانند فراهم کند، البته خود می‌تواند عاملی برای رشد و شکوفایی سرمایه انسانی یک جامعه باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰).

سرمایه فرهنگی

شامل انباشت ارزش‌ها و نموده‌های فرهنگی و هنری ارزشمند، صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی و تمایلات و عادات دیرینی است که در فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری حاصل می‌شود. در مواردی نیز سرمایه فرهنگی را با نمادها، منش‌ها، مدارک آموزشی، ذوق و سلیقه‌ها و شیوه‌ها و نیز شیوه‌زبانی تعریف کرده‌اند (غفاری، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۵). بوردیو عادات و منش‌ها را در قالب عادات واره مورد توجه قرار می‌دهد که مشخص‌کننده نظام و مجموعه‌ای از خوی و خصلت‌های ماندگار و قابل‌جابه‌جایی است و از طریق آن، به ادراک و داوری می‌پردازیم و در جهان پیرامون خود عمل می‌کنیم (استونز، ۱۳۹۵: ۳۳۵).

تورم

تورم (به فرانسوی انفلاسیون^۲) به انگلیسی (اینفلیشن^۳) از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی یا قیمت است. تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت در نظر گرفته می‌شود (گلد و کولب، ۱۳۹۴: ۲۷۹-۲۷۸). تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. هر چند بر پایه نظریه‌های گوناگون، تعریف‌های متفاوتی از تورم ارائه می‌شود، اما، تمامی آن‌ها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارند. مفهوم امروزی تورم، در سده نوزدهم میلادی رواج یافت. پیش از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که جهت نشان دادن افزایش حجم اسکناس‌های غیرقابل‌تبدیل به طلا به کار برده می‌شد.

روش‌شناسی پژوهش

^۱ - Putnam

^۲ - Inflation

^۳ - Inflation

پژوهش حاضر از جنبه هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و نوع پژوهش مبتنی بر پارادایم کیفی-کمی و تکنیک استفاده شده برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها در دو مرحله شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه می باشد که با متغیرهایی در سطوح سنجش اسمی- ترتیبی و فاصله‌ای تنظیم خواهد شد و به منظور کسب ابزار سنجش بهتر، آزمون مقدماتی (pre-test) صورت خواهد گرفت.

جامعه آماری: جامعه آماری در مرحله اول پژوهش خبرگان؛ شامل کلیه اعضای هیأت علمی (رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، و...) و مدیران و کارشناسان مطلع و فعال در حوزه مورد مطالعه می باشند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش «هدفمند قضاوتی» و بر اساس «قاعده اشتها» تا رسیدن به اشباع نظری است؛ بدین صورت که تا رسیدن به مرحله‌ای که مصاحبه شوندگان (اعم از خبرگان و نخبگان درون سازمانی و خبرگان و نخبگان برون سازمانی) در پاسخ به پرسشنامه‌های باز و سؤالات محقق، پاسخ‌هایی تکراری و مشابه می‌دادند فرایند مصاحبه ادامه خواهد یافت. جامعه آماری در مرحله دوم شهروندان هستند با رویکرد به جدول کرجسی و مورگان تعداد ۳۸۴ نفر آنها انتخاب شده است. اما به منظور افزایش اطمینان و پیشگیری از کاهش نمونه‌های اصلی به دلیل وجود پرسشنامه‌های ناقص، نمونه پژوهش ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. که پس از توزیع پرسشنامه و گردآوری داده‌ها پژوهش تعداد ۳۹۶ پرسشنامه به صورت کامل پاسخ داده شده و مبنای تحلیل آماری نیز همین تعداد است. همچنین به منظور گردآوری داده‌های اصلی در بین جامعه هدف (شهروندان) نیز از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. به نحوی که ۳ استان تهران، اصفهان، مازندران، خراسان جنوبی، کرمانشاه و هرمزگان به صورت هدفمند انتخاب شده و سپس چند شهرستان از استان‌های فوق‌الذکر به صورت تصادفی انتخاب گردید و در هر شهرستان به توجه به تقسیمات شهری از چند ناحیه (که معرف تمامی اقشار شهرستان باشد) نمونه‌گیری شد. بدین منظور ابتدا ۳ استان خراسان شمالی، تهران و اصفهان انتخاب گردید، سپس با مراجعه حضوری به بازارها و مناطق تجاری و فروشگاه‌ها داده‌های پژوهش در بین مردم و کسبه گردآوری گردید. لازم به ذکر است که در اهداف اولیه پژوهش ۵ استان برای گردآوری نمونه مدنظر بود اما به دلیل همه‌گیری بیماری کرونا و محدودیت‌های تردد، داده‌های پژوهش از ۳ استان در دسترس (پژوهشگر) شامل؛ اصفهان، تهران و خراسان رضوی گردآوری گردید.

ابزار پژوهش: همانگونه که ذکر شد ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می باشد. پرسشنامه اولیه پژوهش که در بین خبرگان و به منظور انجام تحلیل عاملی اکتشافی طراحی گردید شامل ۶۱ سوال (۵۴ سوال مرتبط با متغیرهای اصلی و ۷ سوال زمینه‌ای) است. به نحوی که ۷ سوال ابتدایی پژوهش زمینه‌ای بوده و سوال‌های ۱ تا ۱۰ مربوط به متغیر اعتماد نهادی، سوال‌های ۱۱ تا ۲۰ متغیر امنیت روانی، سوال‌های ۲۱ تا ۳۸ متغیر سرمایه اجتماعی (۲۱-۲۵ اعتماد، ۲۶-۳۱ اعتماد، ۳۲-۳۸ همبستگی اجتماعی)، و سوال‌های ۳۹-۵۴ مرتبط با متغیر وابسته رفتار تورم‌زا شهروندان می باشد.

اعتبار و پایایی ابزار پژوهش: به منظور سنجش اعتبار ابزار پژوهش از روش اعتبار محتوای لاوشه استفاده شده است و پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق توسط ۱۰ تن از اساتید متخصص دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان دآوری و اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین به منظور انجام پایایی ابزار پژوهش از دو روش آلفای کرونباخ و همچنین بازآزمایی استفاده شده است. که ضرایب آلفای کرونباخ همگی متغیرها بالای ۰/۷۰ و نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار پژوهش می باشد. همچنین ضریب همبستگی آزمون بازآزمایی تمامی متغیرها نیز بالاتر ۰/۹۴ می باشد.

یافته های تحقیق

نام گذاری طبقه بندی سخنان که بیانگر رویدادهای قطعی و دیگر نمونه های پدیده ها هستند.
جدول ۱: مهمترین گزاره های کلامی مصاحبه شوندگان (کدگذاری باز)

ردیف	عبارات معنایی
۱	میزان اعتماد به نظارت مناسب دولت بر بازار
۲	میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی در زمینه کنترل تورم
۳	میزان اعتقاد به شفافیت برنامه پیشنهادی دولت در زمینه کاهش تورم
۴	میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی
۵	اعتماد به تلاش نهادهای دولتی در زمینه توجه به منافع عمومی
۶	اعتماد به شایستگی مجلس در پیش بینی قوانین مناسب
۷	اعتماد به شایستگی قوه قضائیه در رسیدگی به پرونده های فساد مالی و اخلال در نظام ارزی
۸	احساس امنیت جانی
۹	میزان احساس امنیت در هنگام تنهایی
۱۰	میزان اعتقاد به رعایت احترام و شأن افراد جامعه
۱۱	میزان احساس آسودگی و امنیت در محیط زندگی
۱۲	میزان احساس امنیت شغلی در صورت شاغل بودن
۱۳	عدم وجود جرم های فردی در محیط زندگی
۱۴	میزان وجود فضاهای ترسناک عمومی در محیط زندگی
۱۵	اعتماد خاص گرایانه (اعتماد به اعضا خانواده و افراد آشنا)
۱۶	اعتماد عام گرایانه (اعتماد به افراد غریبه و ناآشنا و اعتماد کلی نسبت به مردم)
۱۷	میزان مشارکت در امور شهر و محله
۱۸	میزان مشارکت در امور عام المنفعه
۱۹	اعتقاد به کارهای جمعی و گروهی
۲۰	استفاده از مهارت و تخصص فردی در جهت کمک به دیگران
۲۱	مشارکت در جشن عاطفه ها
۲۲	کمک به مردم آسیب دیده (سیل - طوفان - زلزله و ...)
۲۳	کمک به افراد مستمند و اعتماد به انجام کار گروهی
۲۴	اهمیت دادن به مشکلات دیگران
۲۵	کمک به دوستان
۲۶	رفت و آمد خانوادگی با اقوام و نزدیکان، قرض دادن پول و وسیله به اعضای خانواده، اقوام و همکاران
۲۷	به فکر دیگران و مشکلات آنها بودن
۲۸	گوش دادن به مسائل و مشکلات فردی و گروهی دیگران

۲۹	کمک به کارها و امور فردی دیگران
۳۰	کمک به سالمندان و معلولین

کدگذاری محوری

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد صاحب نظران در مصاحبه‌های ۲۰ گانه به طیف وسیعی از مفاهیم در پاسخ به سوال اشاره کردند به منظور جمع بندی و شناسایی مقوله‌ای اصلی (کدها) مفاهیم شناسایی شده در جدول ۴-۵ ارائه شده است. با مقایسه مفاهیم (کدها) مختلف می‌توان زمینه‌های اشتراک بیشتری را میان آن‌ها کشف کرد که امکان طبقه بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه بندی‌های یکسان را فراهم خواهد ساخت. حاصل این مرحله از فرایند که شکل گیری مؤلفه‌ها می‌باشد:

جدول ۲ کدها (مفاهیم شناسایی شده)

ردیف	مفاهیم	مقولات فرعی	فراوانی
۱	میزان اعتماد به نظارت مناسب دولت بر بازار	اعتماد به شایستگی نهادهای دولتی	۱۱
۲	میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی در زمینه کنترل تورم		۱۲
۳	میزان اعتقاد به شفافیت برنامه پیشنهادی دولت در زمینه کاهش تورم	میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی	۱۴
۴	میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی		۱۲
۵	اعتماد به تلاش نهادهای دولتی در زمینه توجه به منافع عمومی	اعتماد به شفافیت برنامه نهادهای دولتی	۱۱
۶	اعتماد به شایستگی مجلس در پیش بینی قوانین مناسب		۱۲
۷	اعتماد به شایستگی قوه قضائیه در رسیدگی به پرونده های فساد مالی و اخلال در نظام ارزی	اعتماد به نهادهای دولتی در زمینه توجه به منابع عمومی	۱۳
۸	احساس امنیت جانی	امنیت جانی	۱۲
۹	میزان احساس امنیت در هنگام تنهایی		۱۱
۱۰	میزان اعتقاد به رعایت احترام و شأن افراد جامعه	امنیت اجتماعی	۱۱
۱۱	میزان احساس آسودگی و امنیت در محیط زندگی		۱۲
۱۲	میزان احساس امنیت شغلی در صورت شاغل بودن		۱۲
۱۳	عدم وجود جرم های فردی در محیط زندگی	امنیت فردی	۱۲
۱۳			۱۳
۱۴	میزان وجود فضاهای ترسناک عمومی در محیط زندگی		۱۲
۱۵	اعتماد خاص گرایانه (اعتماد به اعضا خانواده و افراد آشنا)	اعتماد بین شخصی	۱۱

۱۲		اعتماد عام گرایانه (اعتماد به افراد غریبه و ناآشنا و اعتماد کلی نسبت به مردم)	۱۶
۱۱	مشارکت رسمی	میزان مشارکت در امور شهر و محله	۱۷
۱۲		میزان مشارکت در امور عام المنفعه	۱۸
۱۱		اعتقاد به کارهای جمعی و گروهی	۱۹
۱۲		استفاده از مهارت و تخصص فردی در جهت کمک به دیگران	۲۰
۱۲		مشارکت در جشن عاطفه ها	۲۱
۱۲	مشارکت غیررسمی	کمک به مردم آسیب دیده (سیل - طوفان - زلزله و ...)	۲۲
۱۲		کمک به افراد مستمند و اعتماد به انجام کار گروهی	۲۳
۱۱		اهمیت دادن به مشکلات دیگران	۲۴
۱۲	همیاری یا همبستگی	کمک به دوستان	۲۵
۱۳		رفت و آمد خانوادگی با اقوام و نزدیکان، قرض دادن پول و وسیله به اعضای خانواده، اقوام و همکاران	۲۶
۱۱	احساس مسئولیت بین چند نفر یا چند گروه (پیوندهای انسانی و برادری) بین انسانها	به فکر دیگران و مشکلات آنها بودن	۲۷
۱۲		گوش دادن به مسائل و مشکلات فردی و گروهی دیگران	۲۸
۱۲		کمک به کارها و امور فردی دیگران	۲۹
۱۳		کمک به سالمندان و معلولین	۳۰

جدول ۳ کدگذاری محوری

مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	ردیف
اعتماد نهادی	اعتماد به شایستگی نهادهای دولتی	میزان اعتماد به نظارت مناسب دولت بر بازار	۱
		میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی در زمینه کنترل تورم	۲
	میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی	میزان اعتقاد به شفافیت برنامه پیشنهادی دولت در زمینه کاهش تورم	۳
		میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی	۴
	اعتقاد به شفافیت برنامه نهادهای دولتی	اعتماد به تلاش نهادهای دولتی در زمینه توجه به منافع عمومی	۵
		اعتماد به شایستگی مجلس در پیش بینی قوانین مناسب	۶
		اعتماد به نهادهای دولتی در زمینه توجه به منابع عمومی	۷
احساس	امنیت جانی	احساس امنیت جانی	۸

امنیت	امنیت اجتماعی	میزان احساس امنیت در هنگام تنهایی	۹
		میزان اعتقاد به رعایت احترام و شأن افراد جامعه	۱۰
		میزان احساس آسودگی و امنیت در محیط زندگی	۱۱
		میزان احساس امنیت شغلی در صورت شاغل بودن	۱۲
	امنیت فردی	عدم وجود جرم های فردی در محیط زندگی	۱۳
		میزان وجود فضاهای ترسناک عمومی در محیط زندگی	۱۴
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین شخصی	اعتماد خاص گرایانه (اعتماد به اعضا خانواده و افراد آشنا)	۱۵
		اعتماد عام گرایانه (اعتماد به افراد غریبه و ناآشنا و اعتماد کلی نسبت به مردم)	۱۶
مشارکت اجتماعی	مشارکت رسمی	میزان مشارکت در امور شهر و محله	۱۷
		میزان مشارکت در امور عام المنفعه	۱۸
		اعتقاد به کارهای جمعی و گروهی	۱۹
		استفاده از مهارت و تخصص فردی در جهت کمک به دیگران	۲۰
	مشارکت غیررسمی	مشارکت در جشن عاطفه ها	۲۱
		کمک به مردم آسیب دیده (سیل - طوفان - زلزله و ...)	۲۲
		کمک به افراد مستمند و اعتماد به انجام کار گروهی	۲۳
همبستگی اجتماعی	همیاری یا همبستگی	اهمیت دادن به مشکلات دیگران	۲۴
		کمک به دوستان	۲۵
	احساس مسئولیت بین چند نفر یا چند گروه (پیوندهای انسانی و برادری) بین انسانها	رفت و آمد خانوادگی با اقوام و نزدیکان، قرض دادن پول و وسیله به اعضای خانواده، اقوام و همکاران	۲۶
		به فکر دیگران و مشکلات آنها بودن	۲۷
		گوش دادن به مسائل و مشکلات فردی و گروهی دیگران	۲۸
		کمک به کارها و امور فردی دیگران	۲۹
		کمک به سالمندان و معلولین	۳۰

روایت پژوهش:

۱- اعتماد نهادی

به منظور عملیاتی نمودن این مفهوم به بررسی ابعاد و گویه‌های آن شامل چهار بعد میزان اعتماد به شایستگی نهادهای دولتی، اعتماد به نهادهای دولتی در زمینه توجه به منابع عمومی، میزان اعتماد به صداقت نهادهای دولتی و اعتقاد به شفافیت برنامه نهادهای دولتی استفاده شده است.

۲- امنیت روانی

امنیت روانی پدیده روان شناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می باشد. این احساس ناشی از تجربه های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است که افراد مختلف به صورت های گوناگون آن را تجربه می کنند. لذا به منظور عملیاتی نمودن این مفهوم به بررسی ابعاد احساس امنیت همچون: احساس امنیت جانی، احساس امنیت در فضاهای عمومی، احساس امنیت اقتصادی، احساس امنیت شغلی، احساس امنیت در محل سکونت و... در سطح ترتیبی و طیف لیکرت پرداخته شده است.

۳- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی طبق فضای مفهومی، مدل نظری بحث از میانگین مجموع نمرات فرد در عناصر ۳ گانه سرمایه اجتماعی، یعنی؛ اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی (هنجارهای همیاری) بدست آمده است. در ادامه به تعریف عملیاتی هر یک از شاخص های سرمایه اجتماعی می پردازیم.

۱-۳- اعتماد اجتماعی

برای سنجش اعتماد اجتماعی به بررسی ابعاد مختلف این متغیر همچون؛ میزان اعتماد پاسخگویان به اعضای خانواده، میزان اعتماد به دوستان، میزان اعتماد به همسایگان و آشناها، میزان اعتقاد به خوش قول بودن اطرافیان و افراد جامعه، اعتماد به امانت داری، اعتماد به کمک اعضای فامیل و محله در شرایط بحرانی، میزان درمیان گذاشتن رازها و مسائل خصوصی با دیگران و... در سطح ترتیبی و طیف لیکرت پرداخته می شود. لازم به ذکر است که اعتماد اجتماعی خود مشتمل بر دو نوع اعتماد اجتماعی خاص گرایانه (اعتماد به اعضای خانواده و افراد آشنا) و اعتماد اجتماعی عام گرایانه (اعتماد به افراد غریبه و ناآشنا و اعتماد کلی فرد نسبت به مردم) می شود که هر دو مورد در گویه ها و سوالات پرسشنامه مدنظر قرار گرفته است.

۲-۳- مشارکت اجتماعی

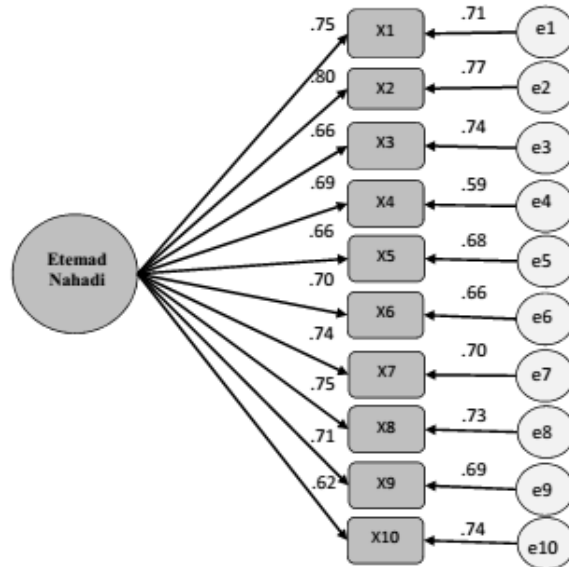
به منظور سنجش این متغیر به بررسی ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی همچون؛ میزان مشارکت در امور شهر و محله، میزان مشارکت در امور عام المنفعه، اعتقاد به کارهای جمعی و گروهی، استفاده از مهارت و تخصص فردی در جهت کمک به دیگران، مشارکت در جشن عاطفه‌ها، کمک به مردم آسیب دیده: سیل، طوفان، زلزله و... ، پرداخت کمک و صدقه به افراد مستمند و... در قالب طیف لیکرت و سطح ترتیبی پرداخته می شود.

۳-۳- همبستگی اجتماعی (هنجارهای همیاری)

به منظور عملیاتی نمودن این مفهوم به بررسی ابعاد همبستگی اجتماعی همچون؛ اهمیت دادن به مشکلات دیگران، کمک به دوستان، رفت و آمد خانوادگی با اقوام، قرض دادن پول و وسیله به اعضای خانواده، اقوام، همکاران و... ، به فکر دیگران و مشکلات آنها بودن، گوش دادن به مسائل و مشکلات فردی و گروهی دیگران، کمک به کارها و امور فردی دیگران، کمک به سالمندان و معلولین و... و در سطح ترتیبی و طیف لیکرت پرداخته شده است.

برای انجام تحلیل با استفاده از نرم افزار Amos براز مدل هر یک از متغیرها و در نهایت مدل ساختاری پژوهش طراحی گردید.

مدل تحلیل عاملی متغیر اعتماد نهادی



$$\text{Chi-Square}=6,69, \text{df}=4,1 \text{ p-value}=0,00110 \text{ RMSEA}=0,040$$

نمودار ۱: مدل تحلیل عاملی متغیر اعتماد نهادی

نتایج مدل ۱ نشان می‌دهد که نشانگرها در کنار یکدیگر سازه‌های مربوط به خود را با توجه به ساختار مورد نظر محقق به درستی تأیید نمودند، زیرا که مدل حاضر با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به درستی اجرا شده است و تداخلی مشاهده نمی‌شود. با توجه به اینکه مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA برای مدل اولیه کمتر از ۰/۰۸ گزارش شده است، لذا جهت استفاده از این سازه در طراحی مدل ساختاری تحقیق و آزمون فرضیات به لحاظ آماری نیازی به انجام اصلاحات نیست و مدل از برازش خوبی برخوردار است.

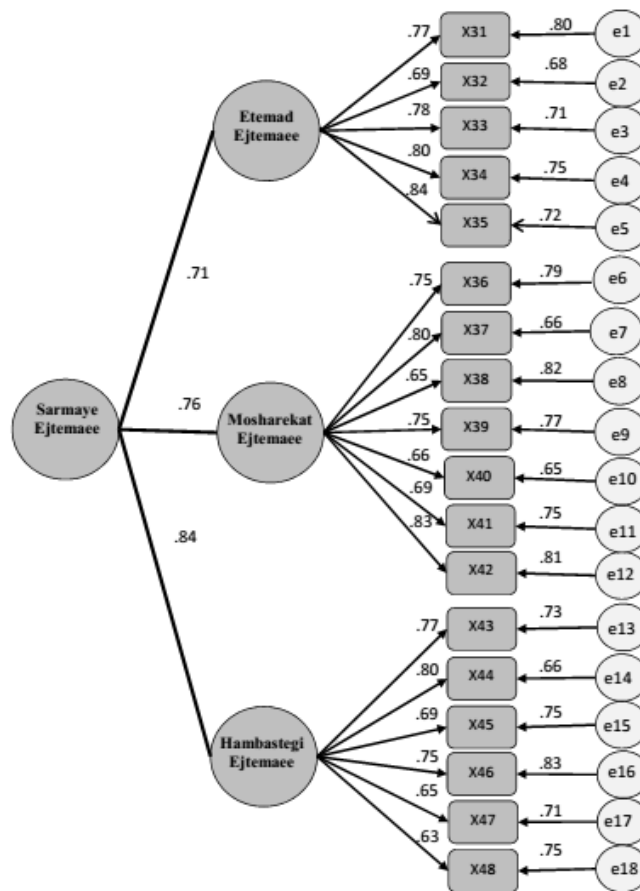
جدول ۱۰: شاخص‌های برازش متغیر اعتماد نهادی

مقدار مشاهده شده	حد نرمال	شاخص
۰/۰۷	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها RMR
۰/۰۷	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها استاندارد شده SRMR
۴/۱	بزرگتر از صفر	df
۲/۰	کمتر از ۳	نسبت χ^2 به df
۰/۹۶	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی GFI
۰/۹۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)
۰/۹۶	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)

مقدار مشاهده شده	حد نرمال	شاخص
۰/۹۳	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۹۱	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۴۰	کمتر از ۰/۰۸	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، RMSEA

همانطور که مشخصه‌های برازندگی جدول نشان می‌دهد داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی و زیر بنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سوالات با سازه‌های نظری است.

مدل تحلیل عاملی متغیر سرمایه اجتماعی



Chi-Square= ۴,۴۷, df= ۳,۸, p-value= ۰,۰۰۰۰۰۰ RMSEA= ۰,۰۵۳

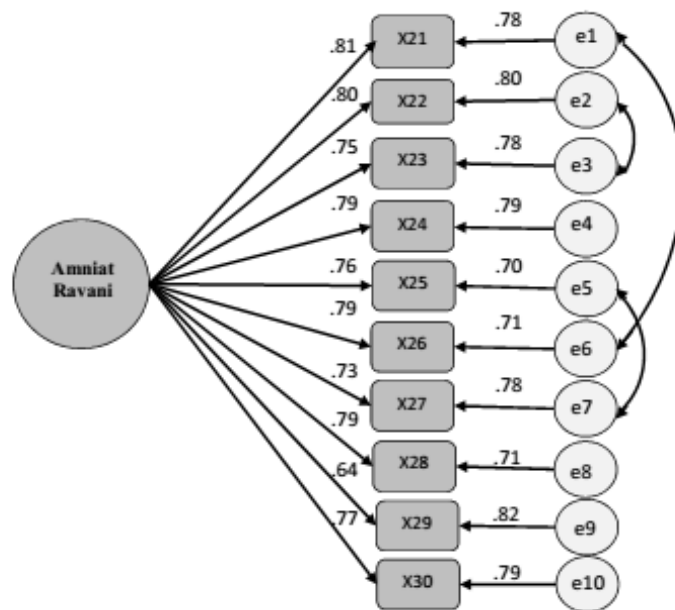
نمودار ۲: مدل تحلیل عاملی سرمایه اجتماعی

نتایج مدل ۲ نشان می‌دهد که نشانگرها در کنار یکدیگر سازه‌های مربوط به خود را با توجه به ساختار مورد نظر محقق به درستی تأیید نمودند زیرا که مدل حاضر با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به درستی اجرا شده است و تداخلی مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱۱: شاخص‌های برازش متغیر سرمایه اجتماعی

مقدار مشاهده شده	حد نرمال	شاخص
۰/۰۴۵	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها RMR
۰/۰۲	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها استاندارد شده SRMR
۳/۸	بزرگتر از صفر	df
۱/۳	کمتر از ۳	نسبت χ^2 به df
۰/۹۷	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی GFI
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۹۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۵۳	کمتر از ۰/۰۸	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، RMSEA

مدل تحلیل عاملی متغیر امنیت روانی



Chi-Square=۴,۱۰, df=۳, p-value=۰,۰۰۰۷۵, RMSEA=۰,۰۵۲

نمودار ۳: مدل تحلیل عاملی متغیر امنیت روانی

نتایج مدل ۳ نشان می‌دهد که نشانگرها در کنار یکدیگر سازه‌های مربوط به خود را با توجه به ساختار مورد نظر محقق به درستی تأیید نمودند، زیرا که مدل حاضر با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی به درستی اجرا شده است و تداخلی مشاهده نمی‌شود.

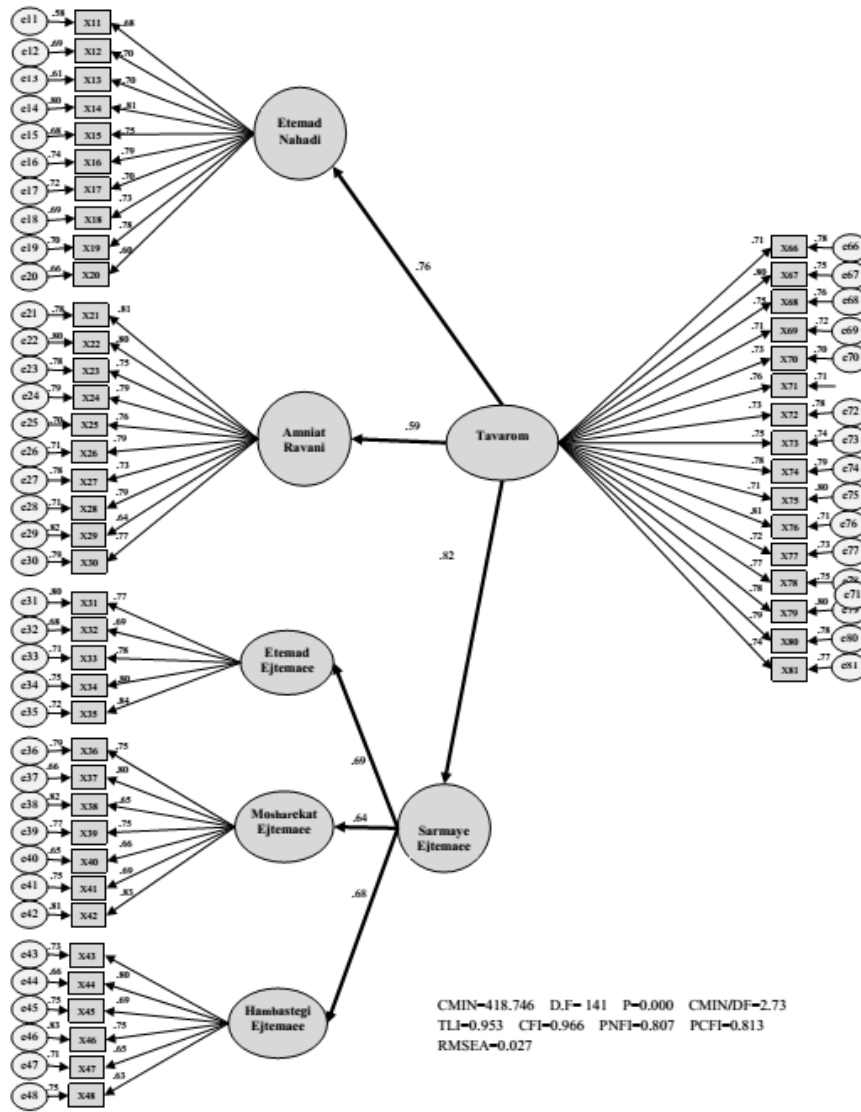
جدول ۱۲: شاخص های برازش متغیر امنیت روانی

مقدار مشاهده شده	حد نرمال	شاخص
۰/۰۵	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها RMR
۰/۰۴	نزدیک به صفر	میانگین مجذور پس ماندها استاندارد شده SRMR
۳/۰	بزرگتر از صفر	df
۱/۳	کمتر از ۳	نسبت χ^2 به df
۰/۹۷	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی GFI
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)
۰/۹۶	۰/۹ و بالاتر	شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)
۰/۹۰	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۰۵۲	کمتر از ۰/۰۸	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب، RMSEA

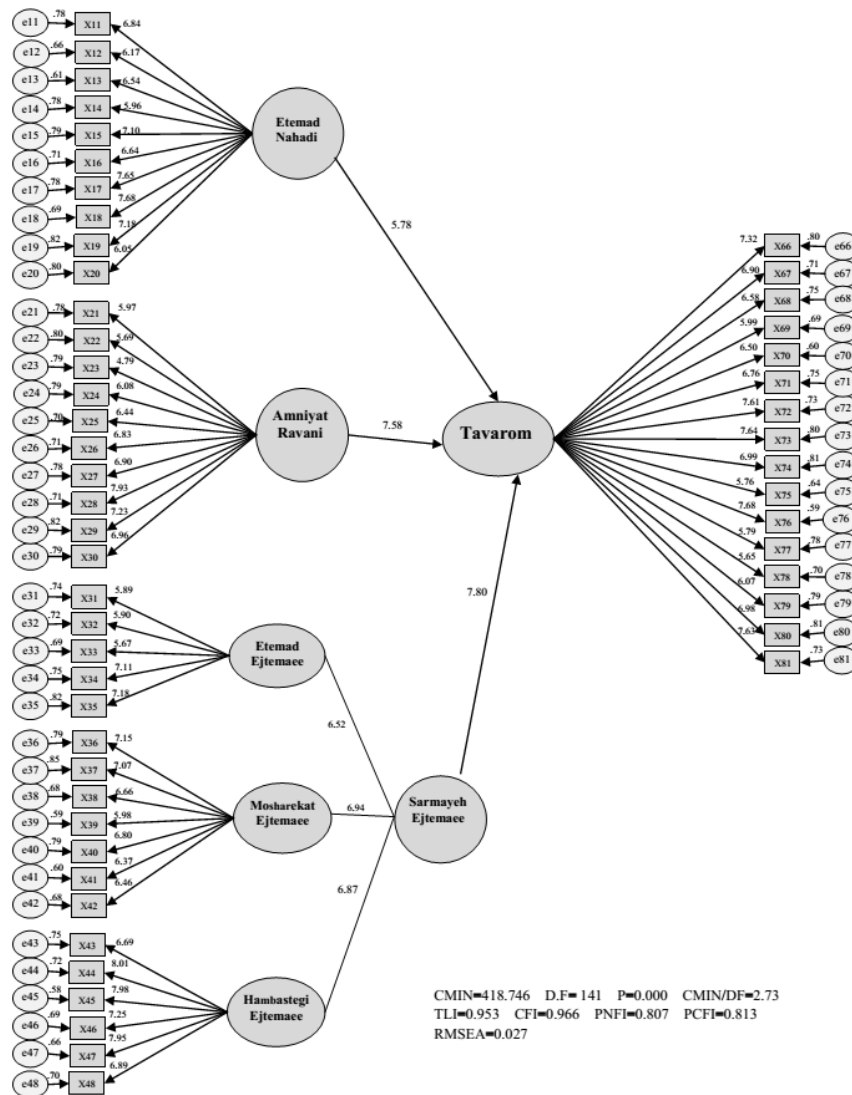
همانطور که مشخصه های برازندگی جدول نشان می دهد داده های این پژوهش با ساختار عاملی و زیر بنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسو بودن سوالات با سازه های نظری است.

مدل ساختاری تحقیق

پس از طی مراحل تصدیق مدل اندازه گیری و محاسبات روایی سازه و تشخیصی در این مرحله می توان به آزمون روابط بین سازه های تحقیق پرداخت. به این منظور مدل مورد نظر در نرم افزار آموس پیاده شد و با روش مدل سازی معادلات ساختاری، با کمک نرم افزار Amoss رابطه علی بین متغیرها آزمون شد.



نمودار ۴: مدل ساختاری پژوهش بر اساس ضرایب استاندارد شده



نمودار ۵: مدل ساختاری پژوهش بر اساس ضرایب معناداری

با توجه به اینکه مقدار ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب $RMSEA$ برای مدل ساختاری پژوهش (۰/۰۲۷)، و کمتر از ۰/۰۸ گزارش شده است، لذا جهت استفاده از این سازه در طراحی مدل ساختاری پژوهش و آزمون فرضیات به لحاظ آماری نیازی به انجام اصلاحات نیست و مدل از برازش خوبی برخوردار است و مدل را می توان به لحاظ آماری صد در صد قابل اتکا دانست. همچنین میزان کای اسکوئر نسبی یا نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی ($CMIN/DF$) = ۲/۷۳، شاخص های برازش تطبیقی ۰/۹۵ و شاخص های مقصد بالای ۰/۹۰ و نیز شاخص $RMSEA$ با مقدار ۰/۰۲۷ نشان دهنده قابل بودن مدل تدوین شده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های مرتبط با بررسی تأثیر تقاضای ناشی از عدم اعتماد نهادی بر تورم و نوسانات قیمت دلار می پردازد، و نتایج تحلیل عاملی معادلات ساختاری مربوط به این فرضیه که برابر با ۶/۷۸ و میزان اثر ۰/۷۱ می باشد، نتایج آزمون نشان می دهد که تقاضای ناشی از عدم اعتماد نهادی بر رفتارهای تورمزا و نوسانات قیمت دلار در ابعاد مختلف آن اثرگذار است. به اعتقاد محقق وقتی وعده های دولت در کنترل قیمت ها و نظارت مناسب بر فعالیت تولیدی ها و فروشندگان مختلف در

زمان های مختلف عملی نمی‌گردد و اعتماد مردم به دولت و نهادهای دولتی کاهش یافته و به توصیه های مسئولین دولتی مبنی بر خرید نکردن عمل ننموده و به دلیل ترس از افزایش مجدد قیمت ها و عدم توانایی دولت در کنترل این شرایط دست به خرید های مازاد و خارج از نیاز می‌زند (کنش تورم زا). البته کاهش اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی مربوط به چند ساله اخیر نبوده و این بی اعتمادی طی دهه های گذشته و در فرایندی طولانی مدت شکل گرفته است که عدم عملکرد صحیح و مطلوب دولت های گذشته نیز بر این امر اثرگذار است. یافته های حاصل از این فرضیه با یافته های پژوهش لیبزیت و همکاران (۲۰۱۴)، سارگنت (۲۰۱۲) و سهیلی و سلیمانی (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. یکی از اساسی ترین کارهایی که در حوزه جامعه شناسی منفعت (که کنش اقتصادی در این حوزه قرار می‌گیرد) انجام شده است، مربوط به جیمز کلمن است. وسیله اصلی که نظریه اقتصادی به واسطه آن از سطح خرد کنشگر فردی به سطح کلانی که کنشگران بیشتری در آن درگیر هستند حرکت می‌کند، مفهوم همه جا حاضری به نام «عامل نماینده یا عامل سوم» است. اما اطلاق جمع ساده کنشگران برای پدیده‌ای مانند اعتماد مناسب نیست، چون اعتماد رابطه بین دو کنشگر است (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۷). بنابراین یکی از عواملی که می‌تواند کنش اقتصادی شهروندان را تبیین کند مسأله اعتماد است. از حدود ۱۹۷۰ در میان اقتصاددانان علاقه به مطالعه موضوع اعتماد و سوء استفاده که تا آن زمان مورد غفلت واقع شده بود، آغاز شد. ویلیامسون با طرح اینکه کنشگران اقتصادی نه تنها پیگیر منفعت شخصی خود هستند، بلکه درگیر فرصت طلبی نیز می‌شوند، بحث اعتماد را وارد اقتصاد و در ادامه جامعه شناسی اقتصادی می‌کند. کنشگران ماهری که فایده نفع معاملات را می‌فهمند با نیرنگ هم همراه هستند؛ بنابراین برخلاف فرضیات معمول انسان اقتصادی مخلوق زیرک تری نسبت به انسان معمولی است که منفعت شخصی خود را دنبال می‌کند (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۷: ۳۷).

این موضوع به فرض مشخصی در نظریه اقتصادی مدرن اشاره دارد که بر اساس آن فرد در جریان کنش اقتصادی منافع اقتصادی اش را به طور نسبی محترمانه دنبال می‌کند؛ پرسش های هابزی- چطور می‌توان تصور کرد کسی که به دنبال منافع شخصی اش است به زور و خدعه و نیرنگ متوسل نشود- با این ادراک مطابقت دارد. همانطور که هابز هم به روشنی اشاره کرده است. در معنای غریزه منفعت طلبی چیزی وجود ندارد که زور و خدعه را از خود طرد کند. لذا پیگیری منفعت شخصی اقتصادی نوعاً احساس غیرقابل کنترلی نیست، بلکه فعایتی متمدنانه و معتدل است. پذیرش فراگیر، اما ضمنی این چنین ایده ای مثال قدرتمندی از این امر است که چطور مفاهیم «بیش از حد اجتماعی شده» و «کمتر از حد اجتماعی شده» همدیگر را تکمیل می‌کنند؛ یعنی اینکه کنشگران «اتمی شده» در بازارهای رقابتی چنان با تمام قوا معیارهای هنجار رفتار را درونی می‌کنند که معاملات به طور منظم تضمین می‌شوند (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۷: ۳۸). آنچه این تضمین را در سال های اخیر فرسوده کرده توجه به جزئیات سطح خرد در معاملات بازار رقابتی ناکامل را افزایش داده است. ویژگی این بازارها وجود تعداد اندک شرکت کنندگان با هزینه های غیرقابل بازگشت و سرمایه‌گذاری روی «سرمایه انسانی خاص» است. در چنین موقعیت هایی، اصول بازارهای رقابتی را نمی‌توان برای کاهش حيله و نیرنگ به کار گرفت و این مشکل کلاسیک که چطور نمی‌توان بی اعتمادی را از بین برد، هویدا می‌شود (سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۷: ۳۸).

با توجه به یافته‌های مرتبط با بررسی تأثیر میزان سرمایه اجتماعی بر تورم و نوسانات قیمت دلار می‌پردازد، و نتایج تحلیل عاملی معادلات ساختاری مربوط به این متغیر که برابر با $7/80$ و میزان اثر $0/82$ می‌باشد، نتایج آزمون نشان می‌دهد که

سرمایه اجتماعی افراد بر رفتارهای تورم‌زای آنها و نوسانات قیمت دلار در شرایط تورمی اثرگذار است. یافته‌های حاصل از این فرضیه با یافته‌های پژوهش پلارک (۲۰۱۷)، سلسان و گوسوای (۲۰۱۲)، لیبزیت و همکاران (۲۰۱۴) و سالاری (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. به اعتقاد جیمز کلنن بسیاری از کنش‌های افراد در جامعه منجمله کنش اقتصادی آنها نشأت گرفته از سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که مانند دیگر اشکال آن مولد بوده و امکان دست‌یابی به هدفهای معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی به اهداف معین کاهش یابد اهدافی که در نبود سرمایه اجتماعی دستیابی به آنها تنها با صرف هزینه‌های زیاد امکان‌پذیر است (کلنن، ۱۳۹۰: ۴۶۲). هنجارهای اعتماد و همیاری و مشارکت، از نظر پاتنام همکاری برای منابع را تسهیل می‌دهد و درمان کامل برای بسیاری از دردهای هر جامعه‌ای است. وی معتقد است فراهم ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی با واسطه و میانجیگری مجموعه‌ای از نهادهایی که تقریباً به وسعت و گستردگی خود جامعه هستند، انجام می‌پذیرد. که در جهت همکاری و تعاون افراد در جامعه صورت می‌گیرد و خانواده‌ها، مدارس، کلیساها و انجمنهای داوطلبانه، انجمنهای تخصصی، فرهنگ عمومی و غیره از آن جمله است. بنابراین سرمایه اجتماعی نقش مهمی در کنش‌های اقتصادی افراد دارد، زیرا افراد جامعه با همبستگی و مشارکت می‌توانند مغلوب تورم و شرایط آن نشده و به نحویس آن را کنترل کنند.

با توجه به یافته‌های مرتبط با بررسی تأثیر تقاضای ناشی از عدم امنیت روانی بر تورم و نوسانات قیمت دلار می‌پردازد، و نتایج تحلیل عاملی معادلات ساختاری مربوط به این فرضیه که برابر با ۷/۵۸ و میزان اثر ۰/۷۹ می‌باشد، فرضیه سوم مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر نتایج آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که تقاضای ناشی از عدم امنیت روانی بر رفتارهای تورم‌زا و نوسانات قیمت دلار در ابعاد مختلف آن اثرگذار است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش با یافته‌های پژوهش کیا (۲۰۱۳)، سارگنت (۲۰۱۲) و سلسان و گوسلوای (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. به اعتقاد سارگنت (۲۰۱۲) انسان به عنوان موجودی هدفمند و بالقوه مضطرب، جهت حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط‌های اثباتی و اجتماعی، درصدد تحقق اهداف خود است امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد. در واقع آنچه باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد. و به آن‌ها مالکیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی. بنابراین وقتی شهروندان احساس امنیت اقتصادی نداشته و آمیدی به بهبود شرایط موجود در جامعه ندارند و احتمال می‌دهند که برخی از مواد غذایی با کمبود و قحطی روبرو گردد. بنابراین احتمال انجام رفتارهای تورم‌زا در بین آنها افزایش می‌یابد. زیرا آنها آمیدی به بهبود شرایط در آینده نداشته و تأمین مایحتاج ضروری خانواده به دغدغه ذهنی آنها تبدیل می‌گردد که در این شرایط احتمال هر نوع رفتار اقتصادی غیر منطقی و عقلانی وجود دارد.

کلنن در کتاب «بنیان‌های اندیشه جامعه‌شناسی» تلاش دارد نظریه منفعت را دوباره مفهوم سازی نهوده و آن را جامه‌ه- شناختی کند. وی معتقد است که کافی نیست از کنشگران و منفعت آنها صحبت کنیم و باید واژه‌های «منابع» و «کنترل» را نیز بیفزاییم. اندیشه اصلی این است که اگر یک کنشگر چیزی داشته باشد که برای دیگران دارای منفعت باشد و هورد علاقه

دیگری قرار گیرد آن دو خواستار مرادوستند یا اینکه با استفاده از واژه های کلیم می توان گفت که کنشگر الف بر منبعی کنترل داشته که مورد علاقه کنشگر ب نیز است و برعکس، آنها مرادوست خواهند کرد (امرسون، ۱۹۶۴؛ به نقل از سوئدبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۷).

پیشنهادها

- با توجه به پائین بودن اعتماد نهادی در بین شهروندان، پیشنهاد می شود که دولت در تمامی برنامه های آتی خود این عامل را در نظر داشته و گام های اساسی و اجرایی در راستای اعتمادسازی و بالابردن اعتماد نهادی در جامعه بردارند. و این مهم با عمل به تعهدات و با برنامه ریزی بلند مدت عملی می گردد.
- با توجه به تاثیر معنادار اعتماد نهادی بر رفتارهای تورم زای شهروندان در این زمینه پیشنهاد می شود که مسئولین نهادهای دولتی به صورت عملی و نه فقط در حد شعار، در راستای کاهش تورم در جامعه برنامه ریزی و فعالیت نمایند که علاوه بر کنترل تورم، بتوانند اعتماد مردم را به دولت بالا ببرند.
- بر اساس یافته های تحقیق میزان سرمایه اجتماعی بر تورم و نوسانات قیمت دلار تاثیر معناداری دارد و از آنجایی که وضعیت سرمایه اجتماعی در بین شهروندان در وضعیت مناسبی قرار دارد برای استفاده بهینه از این سرمایه بالقوه پیشنهاد می شود برای راه اندازی سیستم های شاخص مدرن از طریق گسترش نهادهای مشارکتی، تمرکز زدایی از کارها، ایجاد احساس همبستگی و مسولیت پذیری در امور اقتصادی و فرهنگی و ایجاد محیط مناسب برای پرورش مردم و تلاش در جهت ترغیب مشارکت شهروندان در امور اقتصادی و مناطق که زمینه ساز مشارکت اجتماعی و سیاسی در سطح کلان خواهد بود، مورد توجه قرار گیرد که این امر می تواند در بلند مدت در منطقی تر شدن فعالیت های اقتصادی شهروندان مفید باشد.
- با توجه به اهمیت شاخص امنیت روانی در کاهش تورم و نوسانات قیمت دلار، پیشنهاد می شود که دولت در زمینه کاهش شایعاتی که بر امنیت روانی جامعه اثر گذارند توجه جدی نشان دهد.
- پیشنهاد می شود که در راستای بهبود امنیت روانی در جامعه دولت اخبار موثق مربوط به تورم و فعالیت های مرتبط با آن را از رسانه ملی بدون سانسور و حذفیات و بطور صریح اطلاع رسانی نماید.
- به منظور کاهش فشار روانی و افزایش میزان امنیت روانی شهروندان در شرایط تورمی دولت باید با متخلفان (کم فروشان، محتکران و ..) به شدت برخورد نموده و با ایجاد اطمینان در مردم، جو اقتصادی جامعه را آرام نماید.

منابع

- بوردیو، پیر (۱۳۹۴)، نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- تنهایی، حسین ابوالحسین (۱۳۹۱)، جایگاه نظریه هربرت بلومر در جامعه شناسی معرفت، اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد دهم، شماره ۱ و ۲.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۹)، درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، مشهد، نشر مرندیز.
- حیدری، علی حسین و دیگران (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین احساس امنیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی با کیفیت زندگی افراد (مورد مطالعه: جامعه شهری اهواز)، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه اجتماعی، مقاله ۵، دوره ۹، شماره ۱.

- سرآبادانی، غلامرضا(۱۳۸۷)، تورم، عوامل و راهکارهای مقابله با آن در ایران، نشریه اقتصاد اسلامی، بهار ۸۵، دوره ۶، شماره ۲۱.
- رضایی، عبدالعلی(۱۳۹۴)، مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹.
- فاین، بن(۱۳۹۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرایب، یان(۱۳۹۴)، نظریه های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
- کلمن، جیمز(۱۳۹۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مهربانی، و. (۱۳۸۹)، تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۰، ۲۲۷-۲۰۷.
- Augustine, C. A., Malindretos, J. and Nippani, S. (۲۰۰۴), " Variations in Exchange Rates and Inflation in ۸۲ Countries: an Empirical Investigation" North American Journal of Economics and Finance, ۱۵ : ۲۲۷- ۲۴۷.
- Aljebrin, M. (۲۰۰۶), Analysis of Inflation in Determinants Developing Oil Export Based Economies, Doctoral dissertation, Colorado State University, Fort Collins, Colorado.
- Bourdie u, P. And J. C. Passeron (۱۹۷۷), Reproduc tionIn Educ ation, Soc ie tyAnd Culture , London: Sage.
- Lipset, S.M., (۲۰۱۴), Political Man. The Social Bases of Politics, expanded edition. Johns Hopkins Univ. Press, Baltimore.
- Fratianni, M. (۲۰۰۳), Comment. In: Bordo, M., Eichengreen, B. Eds. , A Retrospective on the Bretton Woods System: Lessons for International Monetary Reform. Univ. of Chicago Press, Chicago, pp ۵۷۷-۵۸۲